

زوج‌های جوان و چالش «دخالت والدین»

ازدواج و تشکیل زندگی به مثابه آرزویی دیرینه در پیچ و خم‌های فراوان زندگی برای دو جوان نعمتی بزرگ است و تداوم آن را می‌توان هنر یک خانواده در زندگی دانست.



ازدواج و تشکیل زندگی به مثابه آرزویی دیرینه در پیچ و خم‌های فراوان زندگی برای دو جوان نعمتی بزرگ است و تداوم آن را می‌توان هنر یک خانواده در زندگی دانست.

به گزارش ایسنا، روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: هرچند باید دقت کرد که دو جوان را بر چه اساس و ملاکی کنار هم قرار می‌دهیم و برای آنان زندگی مشترکی دست و پا می‌کنیم. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان خانواده را به دو قسم ذکر کرد. بعضی خانواده‌ها با علم و آگاهی به عنوان یک مشاور و امین، جوانان را با ملاک‌های واقعی انتخاب همسر در کنار هم قرار داده و تنها بر اساس وظایف خود که یک راهنمای امین و بی‌تعصب هستند، در طول زندگی در کنار آنان هستند. در این نوع مدیریت است که دو زوج در کنار هم احساس غرور و اعتماد به نفس می‌کنند. در مقابل این تفکر بعضی خانواده‌ها زندگی فرزندان را بر اساس آنچه خود تصور می‌کنند و بدون در نظر گرفتن ملاک‌های واقعی در یک ازدواج، پایه‌گذاری می‌کنند. در این صورت والدین برای رسیدن به آنچه از ازدواج فرزندان به دنبال آن هستند، زندگی آنان را به میدانی برای تحمیل خواسته‌های خود به زندگی تبدیل می‌کنند. در اینجا چه والدین پسر و چه والدین دختر هر کدام بیشتر از این نوع دخالت‌ها داشته باشند، طرف دیگر زندگی مشترک باید با سختی‌های بیشتری زندگی را طی کند و در صورت مقابله به مثل طرف دیگر، زندگی دائماً میدان تقابل پدران و مادران برای تحت فشار قرار دادن فرزندان خواهد شد. اینجاست که ضرر اصلی را فرزندان می‌بینند که از زندگی مشترک همواره تصویری توأم با سازگاری و محبت و صمیمیت داشته‌اند.

دخالت والدین ریشه در نوع نگاه آنان دارد

علت عمده دخالت‌ها را باید در نوع نگاه والدین به زندگی فرزندان جست‌وجو کرد. اگر نگاه والدین به ازدواج فرزندان نگاهی به دور از واقعیات و جایگاه فرزندان و نقش آنان در آینده زندگی خودشان باشد، انتظارات والدین نیز بر آن اساس پایه‌ریزی می‌شود و اجازه تصمیم‌گیری درست در زندگی را به زوجین نمی‌دهند. به طور مثال اگر پدر از عروس خود بخواهد دقیقاً نقش دختر را برای او بازی کند، این انتظار باعث می‌شود از او انتظار هر رفتاری که یک پدر از دختر دارد داشته باشد و در صورت برآورده نشدن خواسته‌های پدرشوه‌ر، زندگی او تحت الشعاع قرار می‌گیرد و مورد تحقیر واقع می‌شود. اگر پدر و مادر دختر از داماد خود انتظار فرزند بودن را داشته باشند نیز همین روند تکرار خواهد شد. از مصادیق دیگر آن انتظار والدین برای همراهی کردن فرزندان در برنامه‌های خودشان است (هرچند فرزندان باید همراهی خود با والدین در مسائلی را که به اصل زندگی ضرر نمی‌زند یا باعث تحمیل خواسته‌ها بر یکدیگر نمی‌شود، داشته باشند) که در صورت اجابت نشدن آنان را مواخذه می‌کنند و مورد نکوهش قرار می‌دهند و همین امر باعث احساس عدم استقلال و نگرانی زوجین می‌شود.

والدین هزینه می‌کنند و توقع دارند!

از عوامل دیگر دخالت والدین در زندگی فرزندان هزینه‌هایی است که والدین برای فرزندان می‌کنند که این هزینه‌ها گاهی اوقات باعث ایجاد توقع در والدین می‌شود و در صورت عدم قدردانی، برای تسلیم کردن آنان به دخالت در امور دیگر آنان می‌پردازند. از عوامل دیگر دخالت والدین در زندگی فرزندان سوء استفاده پدر و مادر از جایگاه پدری و مادری است که گاهی اوقات فرزندان را در راستای تحمیل خواسته‌های خود با این جایگاه تحت فشار قرار می‌دهند. هر چند فرزندان باید به این جایگاه ارزنده احترام بگذارند، اما والدین باید بدانند سوء استفاده از این جایگاه کدورت و زمینه انحراف و بعضاً خدایی ناکرده بی‌احترامی یا بی‌اعتمادی فرزندان را به بزرگ‌ترین پشتوانه خود به وجود می‌آورد. فرزندان باید در کنار همسران خود با حفظ حقوق آنان و حفظ حقوق پدر و مادر احساس آرامش کنند نه اینکه پدران و مادران حس کنند وجود همسر فرزند آنان جلوی حق آنان را خواهد گرفت و برای جلوگیری از آن از فرزند انتظار ضایع کردن حقوق همسر خود را داشته باشند. البته فرزندان نیز مواظب رعایت حق پدر و مادر باشند تا برای حفظ حقوق همسر به حقوق پدر و مادر تعدی نشود. پدران و مادران بدانند انتقال مهارت‌های زندگی به فرزندان به صورت طبیعی و به دور از فشار روانی و تحمیل خواسته‌ها یا تحقیر زوجین اتفاق خواهد افتاد. وقتی فرزندان را در سبک زندگی و انتخاب مسیر درست با اخلاق شایسته، احترام و دلسوزی کمک و یاری کردیم، اگر از آنان خطایی سر زد با لطف و بزرگواری و صبر و تحمل باید به کمک آنان شتافت. فرزندان هم با دلگرمی و اعتماد به والدین خود را در معرض نصایح مشفقانه و تربیت‌گونه آنان قرار خواهند داد.

یکی از آثار بسیار مخرب دخالت های بیجای برخی پدر و مادرها در زندگی فرزندان جوان خود، از بین رفتن محبت و دوستی بین زوجین است. وقتی دختر و پسری که با آرزوهای بسیار در کنار هم قرار می گیرند و انتظار دارند پدران و مادران آنان را کمک و یاری کنند، در مقابل می بینند زندگی آنان باعث نگرانی بی مورد و خواسته های غیرمنطقی شوند و تلاش می کنند تا خواسته های پدر و مادران را اجابت کنند. در این تلاش چه بسا ساعت ها با یکدیگر بحث و جدل و حتی بدخلقی کنند و شاید ثمره آن از بین رفتن محبت بین فرزندان شود. چه خانواده هایی که به خاطر دخالت ها یا توقعات بیجای خود باعث سردی و از بین رفتن کانون زندگی ها شده اند. از آثار بد دیگر دخالت های بیجا، باز کردن پای افراد دیگر به زندگی فرزندان است. وقتی پدر و مادرها دخالت کنند دیگران نیز جرئت دخالت در زندگی فرزندان را پیدا می کنند. پدر و مادرها مثل سپری هستند در برابر تیرهای حسادت و کینه به زندگی نوپای فرزندان. اگر این سپر کنار برود یقیناً عده ای وارد زندگی شده و زمانی فرا خواهد رسید که فرزندان به خاطر تیرهای غضب و حسد و کینه دیگران دچار مشکل می شوند و آنجاست که پدران و مادران از راه های مختلف تلاش می کنند فرزندان را از این مهلکه نجات دهند، اما آیا واقعاً می توانند؟ از دیگر آثار دخالت بیجا در زندگی فرزندان، مایوس شدن آنان از زندگی است. وقتی دخالت بیجا اتفاق افتاد فرزندان حس می کنند انتخابشان اشتباه بوده و عدم رضایت پدر و مادر نشانه این موضوع است. در حالی که نمی دانند ناتوانی و زیر بار نرفتن فرزندان در برابر توقعات بیجای والدین است که او را در ابراز محبت و عشق به همسر ناتوان کرده است و نباید نسبت به والدین ابراز کینه کرد و نسبت به همسر دلسرد شد.

برای کنترل دخالت ها چه باید کرد؟

با تمام این تفاسیر بهترین راه برای جلوگیری از آثار مخرب دخالت های بیجا، شناخت حقوق همسر و پدر و مادر است. باید هم نسبت به حقوق همسر و هم به حقوق والدین آگاه بود تا در مواقع دخالت های بیجا با روشی منطقی با پدر و مادر وارد گفتگو شد و در مقابل حقوق همسر را نیز رعایت کرد. راهکار دیگر که باید پدران و مادران نسبت به آن دقت کنند توجه به این نکته است که حساسیت زندگی فرزندان و شروع زندگی مشترک باعث می شود که فرزندان احساس استقلال و اعتماد به یکدیگر را بیشتر در خود حس کنند و این موضوع گاهی اوقات باعث می شود نسبت به انتقال تجربیات از طرف والدین یا مطالبه والدین در مسائل مختلف واکنش هایی نشان دهند که به ظاهر باعث نگرانی هایی برای والدین می شود. باید گفت نگران نباشید. فرزندان باید در زندگی جایگاه خود را پیدا کنند. اگر واکنش ها به بی احترامی و مشاجره فرزندان با والدین کشیده شود باید با کارشناسی و ریشه یابی علت آن بررسی و حل شود. البته به طریق عادی باید اجازه داد آنان برای زندگی خود تصمیم گیری کنند. فرزندان باید دقت کنند وقت گذاشتن برای والدین مهم است.

بعضی فرزندان بعد از ازدواج ارتباط خود را با والدین کمتر و در مقابل ارتباط خود را با همسر بیشتر می کنند و این باعث حساس شدن پدر و مادر می شود. به طوری که آنان برای جلب توجه فرزندان شروع به دخالت و برخوردهای غیرمعقولانه برای جذب آن ها می کنند که این امر به خودی خود به جای حل مشکلات، مشکل را دو چندان هم می کند. پس فرزندان مراقب باشند با برنامه ریزی دقیق نسبت به احترام، سرکشی و توجه به والدین دقت نظر لازم را داشته باشند و به پدر و مادر یکدیگر احترام بگذارند تا آنان نیز حساسیت های خود را کم کنند. این بهترین راهکار رفتاری زوجین در برابر دخالت والدین است.